کارشناسان سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به آمریکا را ارزیابی می‌کنند

نتانیاهو هم ترامپ را غیرقابل پیش‌بینی می‌داند

«فکر می‌کنم باید فشار بیشتری بر ایران اعمال کنیم تا زمانی که آن‌ها فعالیت‌هایی را که اعلام می‌دهند متوقف کنند.» این اولین موضع مارکو روبیو در قامت وزیر خارجه ایالات‌متحده علیه ایران بود. روبیو علت این موضع‌گیری را «سناریل هسته‌ای» عنوان کرده و وقتی از او درباره «فشار حداکثری» پرسیدند، سکوت می‌کند. این موضع‌گیری در شرایطی انجام شده که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به دیدار رفیق شفیقش در محله پنسیلوانیای واشنگتن رفته تا پس از سال‌ها دیداری تازه کنند. از سوی دیگر ترامپ یک روز قبل از دیدار با میهمان خارجی خود، در گفت‌وگویی با خبرنگاران در کاخ سفید گفت تضمینی برای برقرار ماندن آتش‌بس غزه وجود ندارد. به‌علاوه نشریه آمریکایی پولیتیکو اعلام کرده ترامپ قرار است روز سه‌شنبه - دقیقاً همان روز قرارش با نتانیاهو - فرمانی صادر کند که به‌موجب آن آمریکا از شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شده و کمک‌های مالی به «آنروا» (آژانس امدادرسانی سازمان ملل برای فلسطینیان در نوار غزه) متوقف شوند. کنار هم قرار گرفتن این گزاره‌ها سفر نتانیاهو به ایالات‌متحده را معنادارتر می‌کند. در ادامه طی گفت‌وگوهایی با حسن بهشتی‌پور، امیرعلی ابوالفتح، حمیدرضا غلامزاده و حسن هانی‌زاده، کارشناسان مسائل آمریکا و منطقه به تحلیل معانی این سفر و پیش‌بینی آینده روابط ایران و آمریکا پرداخته‌ایم که از نظر می‌گذرانید.

ابوالفتح: احتمالاً سیاست‌های ترامپ در قبال ایران هنوز نهایی نشده است

با آغاز دولت جدید در آمریکا، سیاست‌های واشنگتن در قبال تهران همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اگرچه دونالد ترامپ مشغول مسائل مختلف داخلی و خارجی از جمله رویاهای توسعه‌طلبانه با همسایگانش است و کمتر درباره ایران حرف می‌زند و از سوی دیگر مارکو روبیو، وزیر خارجه جدید ایالات متحده از تشدید فشارها علیه ایران می‌گوید، امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل بین‌الملل معتقد است ایران و آمریکا هر دو خواهان توافق‌اند، اما تعریفشان از «توافق خوب» متفاوت است. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی وی با «فرهیختگان» را از نظر می‌گذرانید.

ایران و آمریکا؛ فعلاً بلاتکلیف

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا در حالی خواستار فشار بیشتر به ایران شده که سابقه طولانی در ایران‌ستیزی دارد. امیرعلی ابوالفتح با اشاره به این سابقه گفت: «ترامپ خودش اذعان دارد که سیاست فشار حداکثری را در دولت اولش پایه‌گذاری کرده است و هرکسی که در تیم ترامپ کار می‌کند، همین موضع را دنبال می‌کند. کسی انتظار ندارد که در واشنگتن کسی بگوید ما دیگر نمی‌خواهیم فشار حداکثری را علیه ایران اعمال کنیم. دولت باایدن هم همین سیاست را دنبال می‌کرد. بنابراین، سفر نتانیاهو حداقل در این مورد خاص، یعنی در ارتباط با سیاست فشار حداکثری، نکته جدیدی نداشته است.»

ابوالفتح همچنین درباره قطع کمک‌های ایالات متحده به سازمان آنروا که مربوط به فلسطینی‌هاست گفت: «این اقدام تنها مختص فلسطینی‌ها نیست. آمریکا کمک‌های خارجی را، به‌جز اسرائیل و مصر، برای همه کشورها و گروه‌هایی که از آن بهره می‌بردند، متوقف کرده است. فرقی ندارد که این کمک‌ها به فلسطینی‌ها می‌رسید یا به غیرفلسطینی‌ها، به جیب‌ها تعلق داشت یا راست‌ها، به دولت‌های مختلف داده می‌شد یا به اوکراین اختصاص پیدا می‌کرد. در هر صورت، این تصمیم یک اقدام کلی بوده و مختص به فلسطینی‌ها نیست. اما درباره ایران، هنوز وضعیت مشخص نیست و به نظر می‌رسد دو سناریو وجود دارد. یک سناریو این است که دولت دوم ترامپ وارد مذاکره با جمهوری اسلامی شود و جمع‌بندی مشخصی درباره ایران نرسیده و به همین دلیل اعلام سیاستی نکرده است. سناریوی دیگر این است که به جمع‌بندی رسیده، اما هنوز اعلام رسمی آن صورت نگرفته است. در هر صورت، وجه مشترک این دو سناریو این است که سیاست آمریکا در قبال ایران، یعنی سیاست دولت ترامپ در این زمینه، هنوز اعلام نشده است.»

حتی نماینده ویژه آمریکا درامور ایران هنوز مشخص نشده است

ابوالفتح با بیان اینکه مشخص نیست این وضعیت تا چه زمانی ادامه خواهد داشت، ادامه داد: «حتی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران نیز هنوز معرفی نشده است. در حالی که مثلاً نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در موضوع اوکراین، در غرب آسیا و در سایر حوزه‌ها مشخص شده‌اند. اما درباره ایران چنین اقدامی صورت نگرفته است. واقعاً مشخص نیست که آیا این سیاست‌ها تدوین شده‌اند و هنوز اعلام نمی‌شوند، یا اینکه دولت هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده است. فعلاً باید منتظر ماند. ترامپ تنها ۱۵ روز است که آمده و در این مدت به موضوعات متعددی پرداخته و توجهات به مسائل مختلفی جلب شده است، بنابراین موضوع ایران کمی در حاشیه قرار گرفته است. نمی‌دانم این در حاشیه قرار گرفتن چقدر ادامه خواهد داشت؛ آیا دو ماه، سه ماه، پنج ماه دیگر هم همین وضعیت خواهد بود، یا اینکه مثلاً سه روز دیگر ناگهان سیاست جدی را اعلام خواهند کرد؟ در هر صورت، این سیاست‌ها باید از زبان رئیس‌جمهور، وزیر خارجه یا مشاور امنیت ملی اعلام شوند.»

ترامپ برای رسیدن به «یک توافق دیگر» از برجام خارج شد

پس از گذشت ۱۷ روز از آغاز به کار رسمی ترامپ در کاخ سفید هنوز ترکیب دولت نهایی نشده است. ابوالفتح معتقد است به همین دلیل هیچ‌کس درباره آنچه مربوط به ایران است چیزی نمی‌داند. او در این باره گفت: «من که اطلاعی ندارم، احتمالاً در کاخ سفید هم هنوز مشخص نیست. چون سناریوی اول را محتمل‌تر می‌دانم! اینکه سیاست‌ها هنوز تدوین نشده‌اند. اگر تدوین شده بودند، به‌نوعی درز پیدا می‌کرد. اینکه در آینده توافقی حاصل می‌شود یا نه، مشخص نیست. ترامپ اصلاً از برجام خارج شد تا توافق دیگری را به دست آورد، یعنی او ضد توافق نیست، ایران هم ضد توافق نیست. فقط مسئله اینجاست تعریفی که ایران از «توافق خوب» دارد، با آنچه آمریکا «توافق خوب» می‌داند، تفاوت زیادی دارد. نه ایران مخالف مذاکره است و نه آمریکا؛ هر دو طرف خواهان رسیدن به توافق‌اند. در دولت‌های مختلف، چه دولت روحانی، چه دولت رئیسی و چه دولت پزشکیان، همه دولت‌هایی که در ایران بر سر کار آمده‌اند، به دنبال توافق بوده‌اند. در آمریکا نیز همین طور، اما فاصله میان دو طرف آن‌قدر زیاد است که امکان برقراری یک پل ارتباطی میان آن‌ها وجود ندارد. حداقل بعد از خروج آمریکا از برجام، چنین پلی دیگر شکل نگرفته است. برجام یک فرصت تاریخی بود که به نتیجه رسید، اما پس از آن، چه دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در آمریکا، و چه اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در ایران، همگی خواهان توافق بوده‌اند، ولی تاکنون هیچ فرمول مشترکی که مورد قبول دو طرف باشد، به دست نیامده است.»

روبیو با سکوتش می‌گوید هنوزبه جمع‌بندی نرسیده‌اند

این کارشناس مسائل بین‌الملل همچنین درباره سیاست فشار حداکثری گفت: «سکوت روبیو نشان‌دهنده این است که احتمالاً هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌اند. به نظر من، این سکوت تأیید می‌کند که هنوز تصمیم نهایی اتخاذ نشده است. شاید منتظرند که ابتدا به نتیجه برسند و بعد از زبان رئیس‌جمهور اعلام کنند. ترامپ علاقه زیادی دارد که خودش اظهارات خاصش را مطرح کند. مثلاً وقتی قصد داشت با کره شمالی دیدار کند، خودش این موضوع را علنی کرد و در جایی گفت که «من با نماینده کره جنوبی صحبت کردم و قصد دارم با فلانی گفت‌وگو کنم.» یا بحث‌هایی مثل وضع تعرفه یا خرید گرینلند را شخصاً مطرح کرد. بنابراین، احتمال دارد که با هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌اند، یا منتظرند ترامپ خودش اعلام کند و او هم تاکنون چیزی در این باره نگفته است. این نشان می‌دهد که احتمالاً سیاست آمریکا در قبال ایران هنوز نهایی نشده است. در مورد ایالات متحده باید گفت هیئت حاکمه آمریکا، فارغ از اینکه دموکرات‌ها بر سر کار باشند یا جمهوری‌خواهان و فارغ از اینکه رئیس‌جمهور بایدن، اوباما یا ترامپ باشد، همواره به‌عنوان یک کشور و یک نظام‌سیاسی، خواهان حل‌وفصل موضوعات مورد اختلاف با ایران در همه حوزه‌ها بوده است.»

آمریکا باید دغدغه‌های ایران را بپذیرد

ابوالفتح در ادامه به تفاوت دو طیف اصلی سیاست در آمریکا اشاره کرده و تصریح کرد: «تفاوت آن‌ها در این است که دموکرات‌ها معتقدند همه موضوعات باید حل شود، اما مرحله‌به‌مرحله. یعنی ابتدا از سخت‌ترین، حساس‌ترین و فوری‌ترین موضوع شروع کنیم؛ مثلاً ابتدا مسئله هسته‌ای، سپس موشکی، بعد مسائل منطقه‌ای، حقوق بشر، دموکراسی، ساختار نظام، زن، زندگی، آزادی و سایر مسائل را به‌تدریج حل کنیم. به این روش می‌گویند «پیشروی فاز به فاز»! اما جمهوری‌خواهان نظر دیگری دارند. آن‌ها معتقدند که باید به‌یکباره پشت میز مذاکره نشست و طی یک بازه زمانی مشخص، مثلاً شش ماه، دو ماه، ده روز یا حتی یک ساعت، تمام مسائل را باهم حل‌وفصل کرد. در این روش، همه مسائل از جمله موشکی، منطقه‌ای، دموکراسی، حقوق بشر و هر موضوع دیگری باید همزمان مورد مذاکره قرار گیرد. بنابراین، هم دموکرات‌ها و هم جمهوری‌خواهان خواهان حل همه مسائل هستند؛ تفاوتشان فقط در تکنیک رسیدن به این هدف است. از این نظر، اگر مذاکراتی بخواهد صورت بگیرد، چه به‌صورت تدریجی و فاز به فاز، و چه به‌صورت یکباره، در هر دو حالت، موضوعات موشکی، منطقه‌ای و سایر مسائل را در بر خواهد گرفت. آمریکا باید دغدغه‌های ایران را نیز بپذیرد. نباید این‌گونه باشد که یک طرف برنده و طرف دیگر بازنده باشد؛ توافق باید برد-برد باشد. آمریکا باید بپذیرد که اگر انتظار دارد ایران برنامه موشکی نداشته باشد، در مقابل، امنیت ایران هم باید تأمین نگردد. چه به نظر می‌رسد مذاکره هم در میان گزینه‌های مورد نظر آمریکا قرار دارد، اما فشار حداکثری همچنان جدی‌ترین گزینه در مواجهه با ایران است، موضوعی که وزیر خارجه آمریکا نیز روز گذشته به آن اشاره کرد. حسن بهشتی‌پور کارشناس مسائل بین‌الملل معتقد است اولین رویکرد آمریکا در قبال ایران مذاکره است اما فشار حداکثری قبل از مذاکره آغاز خواهد شد تا امتیازات بیشتری از ایران بگیرد. برای بررسی بیشتر رفتار ترامپ با ایران با حسن بهشتی‌پور، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کردیم که در ادامه آن را از نظر می‌گذرانید.

سیاست آمریکا فعلاً درگیری نظامی با ایران نیست

ترامپ در حال حاضر به دنبال حل‌وفصل موضوعات است. این موضوعی است که بهشتی‌پور در تحلیل رفتار ترامپ به آن اشاره کرد و گفت: «نمی‌شود که نتانیاهو با ترامپ ملاقات کند و در این شرایط درباره ایران حرفی نزند. این مسئله بسیار بعید است. اما اینکه درباره حمله نظامی صحبتی نشده باشد، بله، این احتمال وجود دارد. در واقع، آقای ترامپ در حال حاضر دنبال این نیست که به‌دنبال جنگ باشد. او بیشتر به‌دنبال افزایش فشار بر ایران از طریق روش‌هایی مانند تحریم‌های اقتصادی و اعمال فشار حداکثری است اما به شکل روزآمدشده‌ای. اما بعید می‌دانم تلاشی برای انجام اقدام نظامی علیه ایران صورت گیرد اما سیاست فعلی ترامپ، ایجاد ابهام است. او به‌طور صریح درباره ایران صحبت نمی‌کند. وقتی خبرنگاران از او پرسیدند، گفت: «مگر من آن‌قدر سادلوح هستم که بگویم دقیقاً درورد ایران می‌خواهیم، چه کار کنیم؟» او به‌صرحت از این موضوع طفره رفت و سعی کرد موضع مشخصی نگیرد. در کل، سیاست آمریکا فعلاً درگیری نظامی با ایران نیست، بلکه هدف اصلی آن‌ها مذاکره است. آمریکا نمی‌خواهد این موضوع را علنی کند و تلاش می‌کند خود را مستغنی نشان دهد اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد که آن‌ها به‌دنبال حل مسائل از طریق گفت‌وگو هستند، به نظر می‌رسد به‌دنبال بدست آوردن امتیازاتی‌اند که در برجام نتوانستند به آن برسند. اصلا چرا ترامپ از برجام خارج شد؟ چون به‌نظرش امتیازات قابل توجهی به ایران داده شده بود. از نگاه آمریکایی‌ها، برجام نقاط ضعفی داشت که دقیقاً همان‌ها نقاط قوت برای ایران محسوب می‌شد. حالا آن‌ها به‌دنبال اینند که امتیازاتی که نتوانستند بگیرند، باز بار به‌دست بیاورند و این مسئله فقط محدود به برجام نیست.»

اولین رویکرد آمریکا گفت‌وگو و مذاکره است

بهشتی‌پور در پاسخ به این سوال که چطور همزمان هم مذاکره دنبال خواهد شد هم فشار حداکثری، گفت: «فشار حداکثری اقدامات قبل از مذاکره است. یعنی آن‌ها ابتدا سعی می‌کنند با اعمال فشار، امتیاز بگیرند و سپس با همان داشته‌هایشان پای میز مذاکره بنشینند. آن‌ها همزمان فشار نمی‌آورند و مذاکره نمی‌کنند، بلکه ابتدا فشار می‌آورند و آن را به شکل به‌روزشده پیش می‌برند، زمانی که به‌نظرشان زمان مناسب رسید، وارد مذاکره می‌شوند. به همین دلیل اولین رویکرد آمریکا گفت‌وگو و مذاکره خواهد بود، هرچند در سیاست اعلامی خود، به‌دنبال ایجاد نوعی ابهام است و صریحاً اعلام نمی‌کند که قصد دارد چه کند

حمیدرضا غلامزاده: دستورکار ترامپ برای ایران؛ همان فشار حداکثری است

سیاست فشار حداکثری همچنان در دستور کار ترامپ قرار دارد. اگرچه برخی افرادی که در تیم ترامپ حضور دارند، چندان مخالفتی با مذاکره ندارند، اما به نظر می‌رسد نگاه آن‌ها نیز برای گرفتن امتیاز پای میز مذاکره است. این موضوعاتی است که حمیدرضا غلامزاده در تحلیل رفتار ترامپ در مواجهه با ایران به آن اشاره دهد. غلامزاده معتقد است ایران از نگاه آمریکایی‌ها شرایطی مشابه سال ۹۸ دارد و به این منظور نیز ممکن است رفتار خود را متناسب با آن شرایط تنظیم کنند. در ادامه، مشروح گفت‌وگو با حمیدرضا غلامزاده، کارشناس مسائل بین‌الملل را از نظر می‌گذرانید.

در ادبیات ترامپ خبری از مذاکره نیست

غلامزاده معتقد است ترامپ مجدداً فشار حداکثری علیه ایران را به راه خواهد انداخت و توضیح داد: «در ادبیات ترامپ موضوعی به نام مذاکره چندان دیده نمی‌شود. برخی تصور یا خیال‌پردازی می‌کنند که چون بودجه (USAID) را قطع کرده، پس قصد مذاکره دارد، اما این برداشت بی‌ربط است؛ چراکه حتی یک‌دهم از هزینه‌ای که متوقف شده، به ایران مربوط نمی‌شد. برخی اقدامات او را به میل به مذاکره تعبیر می‌کنند، اما این تحلیل اشتباه است و هیچ منطق روشنی پشت آن نیست. در گفت‌وگوهای ترامپ همچنان همان کلی‌گویی‌های مرسومش را می‌بینیم و چیز جدیدی از او نشنیده‌ایم. چیزی که مشخصاً از خود او و افرادی مانند روبیو و هوکفرانش می‌شنویم، بحث فشار حداکثری است. احتمال جدی وجود دارد که همان کمپین را دوباره آغاز کنند و این فشار را به شکل تحریم علیه ایران اعمال کنند. البته به نظر می‌رسد موضوع حمله نظامی همچنان روی میز است. اما با گذشت زمان احتمال آن کاهش پیدا می‌کند. این همان موضوعی است که آقای ظریف هم به آن اشاره کرده بود؛ یعنی امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران. به این معنا که القا می‌کنند ایران در حال آماده‌سازی تمام مقدمات برای ساخت سلاح هسته‌ای است و فقط کافی است تصمیم بگیرد آن را بسازد. این ادبیاتی که همزمان با سفر نتانیاهو، برخی رسانه‌ها آن را برجسته می‌کنند، می‌تواند زمینه‌سازی روانی برای توجیه یک حمله احتمالی علیه ایران باشد.»

موافقان و مخالفان مذاکره در اصل امتیازگرفتن از ایران مشترکند

کنار گذاشتن برخی چهره‌های ضدایرانی مثل پمپئو و پرینس، لزوماً به معنای تغییر سیاست ترامپ نیست. کما اینکه به تازگی چهره‌های ضدایرانی دیگری به کابینه اضافه شده‌اند. غلامزاده در توضیح این موضوع گفت: «این طور نیست که ترامپ افراد ضدایران را کنار گذاشته باشد. او کسانی را که با خودش همراه نبودند، حذف کرده است. ترامپ تاکنون بسیاری از قضات، بازپرسان و افرادی را که در پرونده‌های قضایی او نقش داشتند، کنار گذاشته است. دروافع کسانی که ضدایران بودند، صرفاً به دلیل عدم همراهی با او برکنار شدند، نه به دلیل مواضع ضدایرانی‌شان. الان در تیم ترامپ افرادی مانند مارکو روبیو، جان راکتلیف، پیت هگزت وزیر دفاع و رئیس اف‌بی‌آی حضور دارند که کاملاً طرفدار فشار حداکثری و مخالف ایرانند. این افراد حتی مواضعی تندتر از افراد قبلی دارند. در این چهارچوب سیاست خارجی، افراد اندکی مانند پورسی گاوا، ویتکاف و با فاصله سازمانی، ایلان ماسک را داریم که بحث مذاکره را مطرح می‌کنند. البته این‌ها می‌گویند ابتدا باید مذاکره کنیم و بعد فشار بیاوریم. طیف دوم که حداقلی‌اند و تعدادشان هم کم است و موقعیتشان هم به لحاظ تصمیم‌سازی پایین‌تر است، معتقدند اول مذاکره کنیم و شاید امتیازاتی در مذاکره به دست بیاوریم، بعد از آن اگر ایران تسلیم نشد، فشار بیاوریم. در اصل ماجرا که باید از ایران امتیاز بگیریم، تفاوتی میان این‌ها نیست. در اصل فشار آوردن هم تفاوتی نیست. برای مثال خانم گاوات که مدیر امنیت ملی آمریکاست، اگرچه محتوا به دستگاه‌های دیگر می‌دهد، اما نهایتاً وزارت خارجه و وزارت دفاع تصمیم‌گیرنده‌اند. اگر بخواهد تصمیم‌سازی هم کند، تصمیم‌گیری عملیاتی را وزارت خارجه می‌کند، که موضع همه آن‌ها ضدایران و تند است. لذا نمی‌شد گفت الان در کابینه و عملیات و رویکرد ترامپ تغییری حاصل شده و ملایم‌تر شده است.»

برنامه هسته‌ای همچنان دستورکار ویژه ترامپ است

غلامزاده در خصوص اینکه حمله نظامی جزو گزینه‌های آمریکا هست یا نه نیز توضیح داد: «یک نکته دیگر هم این است که برخی می‌گویند چندین بار از ترامپ درباره حمله به ایران پرسیده شده، اما او سکوت کرده یا از پاسخ دادن امتناع کرده است. برخی به اشتباه تصور می‌کنند چون او در این‌باره صحبت نکرده، پس حمله نظامی به ایران از دستور کار خارج شده است. مگر قبل از ترور سردار شهید سلیمانی هم صحبت از حمله می‌شد؟ شرایط فعلی مشابه همان زمان است. در آن مقطع آمریکایی‌ها تصور می‌کردند به دلیل اعتراضات آبان ۹۸ و گرانی‌ها، وضعیت اقتصادی ایران تضعیف شده و دولت ایران پشتوانه مردمی‌اش را از دست داده است. بر این باور بودند که می‌توانند ضربه‌ای جدی به ایران وارد کنند. این همان منطقی بود که در سال ۹۸ منجر به انجام آن جنایت شد. اکنون شرایط مشابهی برقرار است. آن‌ها معتقدند سوریه از دست ایران خارج شد، حزب‌الله تا حدی تضعیف شده و ایران از نظر اقتصادی در وضعیت ضعیفی قرار دارد. از دید آمریکایی‌ها، ایران در موضع ضعف است و فرصتی برای وارد کردن یک ضربه اساسی به آن وجود دارد. نمی‌توان گفت که این تصمیم قطعی شده است، اما این گزینه همچنان به‌طور جدی در حال بررسی است. طبیعتاً در مورد یک گزینه جدی، ابتدا اقدام می‌کنند و بعداً درباره آن صحبت می‌شود. بنابراین، این احتمال همچنان وجود دارد. شرایطی که آمریکایی‌ها از ایران می‌بینند، شبیه آبان ۹۸ است. البته این به معنای آن است که ایران قدرتی ندارد. ایران همچنان برترین قدرت منطقه‌ای آن نیست و در سوریه نیز در صورت اراده می‌تواند تأثیرگذار میدانی باشد. اما برداشت آمریکایی‌ها این است که ایران ضعیف شده، قدرت منطقه‌ای‌اش کاهش یافته و آسیب‌پذیری‌اش افزایش یافته است. از این رو، آن‌ها این شرایط را به‌عنوان یک فرصت تلقی می‌کنند که ممکن است به‌زودی از بین برود. بنابراین درصدد بهره‌برداری از آن هستند. هدف اصلی آن‌ها نیز برنامه هسته‌ای ایران است که تلاش می‌کنند به هر نحو ممکن آن را حذف کنند.»

ترامپ اتفاقات غزه را با فشار اقتصادی و سیاسی پیش خواهد برد

غلامزاده در توضیح اینکه رفتار ترامپ در آینده در مواجهه با غزه چه خواهد بود، گفت: «ترامپ در مواجهه با بحران غزه در وهله اول به خاطر هزینه‌های جنگ، موافق پایان جنگ بود؛ چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی. آمریکا ناچار به حمایت مالی از اسرائیل است و این امر هزینه‌زا محسوب می‌شود. از این رو ترامپ تمایل داشت جنگ هرچه زودتر تمام شود تا هزینه‌ها کاهش یابد. او همچنین به یک دستاورد نیاز داشت که در بدو ورودش ارائه دهد. بنابراین، از پایان جنگ استقبال کرد؛ چراکه یکی از راحت‌ترین پروژه‌ها این بود و جامعه جهانی نیز خواستار توقف این جنگ بود. بنابراین، ترامپ این مسیر را در پیش گرفت. گمانایکه با پیشنهادی که داد (انتقال فلسطینی‌ها به مصر و اردن) نشان داد هیچ حس‌نیتی به مردم فلسطین ندارد. برعکس می‌خواهد با رویکرد سیاسی همان مدلی که سفارت آمریکا را به اورشلیم منتقل کرد، بقیه ماجرا را هم به همان مدل و با فشار اقتصادی و سیاسی پیش ببرد.»

پیشنهادهای ترامپ درمورد غزه هم تابع نفع و زیان اوست

ترامپ به دنبال ادامه جنگ نیست، اما راه‌حل‌های او هم چندان تعیینی از قواعد بین‌المللی ندارد. غلامزاده در این خصوص توضیح داد: «ترامپ نمی‌خواهد جنگ ادامه پیدا کند، اما می‌خواهد رژیم را هم پیش ببرد. پیشنهادی که درخصوص انتقال مردم غزه به مصر و اردن داد، لزوماً مدنظرش این نیست که حتماً انجام شود، اما ویژگی مهم ترامپ این است که بشدت ساختارشکنانه فکر می‌کند. پیشنهاد او درباره انتقال مردم غزه به مصر الزاماً به‌معنای عملیاتی شدن آن نیست، بلکه رویکرد او به این صورت است که ایده‌ای را مطرح کند و ببیند چه واکنشی دریافت می‌کند. اگر این پیشنهاد عملی شد، برای او یک موفقیت است و اگر نشد، به دنبال راه‌حل‌های جایگزین خواهد رفت. او چهارچوب‌های بین‌المللی، قوانین سازمان ملل و اصول روابط بین‌الملل را محدودکننده نمی‌داند و صرفاً به دنبال تحقق اهداف خود است. برای مثال می‌گوید: «ما می‌خواهیم این منطقه را به اسرائیلی‌ها بدهیم، پس چطور می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟ حب، مردم را جابه‌جا کنیم!» از نگاه او این یک راه‌حل «مهربانانه» است که مثلاً مردم کشته نشوند، اما در نهایت این جهت‌گیری فکری کاملاً در راستای منافع خودش است و فکرش آزاد است و خودش را در قواعد محدود نمی‌کند.»

ادامه در صفحه ۷

بهشتی‌پور: مذاکره و نسخه به‌روزشده فشار حداکثری، رویکرد ترامپ درمقابل ایران است

«حمله به ایران، دیگر موضوع آمریکا نیست.» این نقل قولی است که واشنگتن‌پست از یک مقام اسرائیلی ذکر کرد. این روزنامه در ادامه نیز به این موضوع اشاره کرد که هنوز مشخص نیست که نتانیاهو و ترامپ در رویکردشان با ایران به توافق رسیده‌اند یا خیر. سفر نتانیاهو به آمریکا در حالی انجام شد که انتظار می‌رفت، گفت‌وگویی درمورد ایران نیز صورت گیرد. موضوعی که نتانیاهو نیز قبل از سفرش به واشنگتن به آن اشاره و گفت‌وگو برای مقابله با ایران در همه اشکال را یکی از محورهای این گفت‌وگوها خواند. با این حال برمبنای خبری که واشنگتن‌پست منتشر کرده این گزاره، پررنگ است که برنامه آمریکا برای مواجهه با ایران، قطعاً حمله نظامی نخواهد بود. اما گزینه‌های دیگر همچنان روی میز است. نکته مورد توجه آن است که عملا هیچ شواهدی از تغییر چشمگیر سیاست‌های آمریکا علیه ایران مشاهده نمی‌شود. اگرچه به نظر می‌رسد مذاکره هم در میان گزینه‌های مورد نظر آمریکا قرار دارد، اما فشار حداکثری همچنان جدی‌ترین گزینه در مواجهه با ایران است، موضوعی که وزیر خارجه آمریکا نیز روز گذشته به آن اشاره کرد. حسن بهشتی‌پور کارشناس مسائل بین‌الملل معتقد است اولین رویکرد آمریکا در قبال ایران مذاکره است اما فشار حداکثری قبل از مذاکره آغاز خواهد شد تا امتیازات بیشتری از ایران بگیرد. برای بررسی بیشتر رفتار ترامپ با ایران با حسن بهشتی‌پور، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کردیم که در ادامه آن را از نظر می‌گذرانید.

سیاست آمریکا فعلاً درگیری نظامی با ایران نیست

ترامپ در حال حاضر به دنبال حل‌وفصل موضوعات است. این موضوعی است که بهشتی‌پور در تحلیل رفتار ترامپ به آن اشاره کرد و گفت: «نمی‌شود که نتانیاهو با ترامپ ملاقات کند و در این شرایط درباره ایران حرفی نزند. این مسئله بسیار بعید است. اما اینکه درباره حمله نظامی صحبتی نشده باشد، بله، این احتمال وجود دارد. در واقع، آقای ترامپ در حال حاضر دنبال این نیست که به‌دنبال جنگ باشد. او بیشتر به‌دنبال افزایش فشار بر ایران از طریق روش‌هایی مانند تحریم‌های اقتصادی و اعمال فشار حداکثری است اما به شکل روزآمدشده‌ای. اما بعید می‌دانم تلاشی برای انجام اقدام نظامی علیه ایران صورت گیرد اما سیاست فعلی ترامپ، ایجاد ابهام است. او به‌طور صریح درباره ایران صحبت نمی‌کند. وقتی خبرنگاران از او پرسیدند، گفت: «مگر من آن‌قدر سادلوح هستم که بگویم دقیقا درورد ایران می‌خواهیم، چه کار کنیم؟» او به‌صرحت از این موضوع طفره رفت و سعی کرد موضع مشخصی نگیرد. در کل، سیاست آمریکا فعلاً درگیری نظامی با ایران نیست، بلکه هدف اصلی آن‌ها مذاکره است. آمریکا نمی‌خواهد این موضوع را علنی کند و تلاش می‌کند خود را مستغنی نشان دهد اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد که آن‌ها به‌دنبال حل مسائل از طریق گفت‌وگو هستند، به نظر می‌رسد به‌دنبال بدست آوردن امتیازاتی‌اند که در برجام نتوانستند به آن برسند. اصلا چرا ترامپ از برجام خارج شد؟ چون به‌نظرش امتیازات قابل توجهی به ایران داده شده بود. از نگاه آمریکایی‌ها، برجام نقاط ضعفی داشت که دقیقاً همان‌ها نقاط قوت برای ایران محسوب می‌شد. حالا آن‌ها به‌دنبال اینند که امتیازاتی که نتوانستند بگیرند، باز بار به‌دست بیاورند و این مسئله فقط محدود به برجام نیست.»

اولین رویکرد آمریکا گفت‌وگو و مذاکره است

بهشتی‌پور در پاسخ به این سوال که چطور همزمان هم مذاکره دنبال خواهد شد هم فشار حداکثری، گفت: «فشار حداکثری اقدامات قبل از مذاکره است. یعنی آن‌ها ابتدا سعی می‌کنند با اعمال فشار، امتیاز بگیرند و سپس با همان داشته‌هایشان پای میز مذاکره بنشینند. آن‌ها همزمان فشار نمی‌آورند و مذاکره نمی‌کنند، بلکه ابتدا فشار می‌آورند و آن را به شکل به‌روزشده پیش می‌برند، زمانی که به‌نظرشان زمان مناسب رسید، وارد مذاکره می‌شوند. به همین دلیل اولین رویکرد آمریکا گفت‌وگو و مذاکره خواهد بود، هرچند در سیاست اعلامی خود، به‌دنبال ایجاد نوعی ابهام است و صریحاً اعلام نمی‌کند که قصد دارد چه کند و در سیاست اعمالی خود به دنبال آن است که با هماهنگی شرکا فشار بیشتری را به ایران وارد کند.»

ترامپ اگرچه به دنبال فشار بیشتر بر ایران با کمک شرکاست اما مشکل اصلی او این است که در حال حاضر روابط خوبی با شرکا ندارد، بهشتی‌پور در این باره گفت: «مشکل ترامپ این است که در حال حاضر شرکای خود دچار اختلاف شده است. او با مکزیک و کانادا بر سر تعرفه‌ها مشدت وارد درگیری شده، با کشورهای اروپایی مانند انگلیس، فرانسه و آلمان هم تنش دارد. او دیروز در سخنرانی خود اتحادیه اروپا را «وحشی» خطاب کرد! البته ما ممکن است در این خوشحال هم شویم و بگوییم اللهم اشغل الظالمین بظالمین.»

ایران هم باید سیاستش را درقالب مذاکره پیش ببرد

بهشتی‌پور در پاسخ به این سوال که آیا اساسا امکانی برای مذاکره فراهم می‌شود یا خیر گفت: «به نظر من، ایران باید سیاست خود را در قالب مذاکره پیش ببرد. مذاکره مزایای متعددی دارد! اول اینکه در داخل کشور، فضای مثبتی برای کار، کاسبی و بازار ایجاد می‌کند که تأثیر مثبتی بر اقتصاد خواهد داشت. دوم اینکه در سطح بین‌المللی، ایران نشان خواهد داد که به‌دنبال گفت‌وگو و مذاکره است و نه جنگ. علاوه بر این، وقتی پای میز مذاکره می‌رود، هیچ‌کس نمی‌تواند شما را مجبور کند که امتیاز بدهید یا دقیقاً همان چیزی را که طرف مقابل می‌خواهد، انجام دهید. من واقعاً تعجب می‌کنم که برخی افراد در داخل کشور از زبان آمریکا صحبت می‌کنند و می‌گویند که آمریکا چنین و چنان می‌خواهد. گاهی سناریوهایی ساخته می‌شود که هرکسی از مذاکره صحبت کند، متهم می‌شود که به‌دنبال تسلیم شدن است! ما آیا این نگاه، تحقیر ملت ایران نیست؟ آیا این بزرگ کردن طرف آمریکایی نیست که انگار او هرچه بخواهد، همان می‌شود؟ مگر کدام مقام آمریکایی چنین حرفی را زده است؟ بنابراین وقتی درباره مذاکره صحبت می‌کنیم باید براساس واقعیت‌ها و شواهد بحث کنیم نه اینکه صرفاً براساس گمانه‌زنی‌ها به نتیجه برسیم.»

اگر جنگی آغاز شود حمایت ترامپ از اسرائیل با دموکرات‌ها فرقی ندارد

بهشتی‌پور درمورد ادعاها و مواضع اخیر ترامپ درمورد جنگ غزه هم گفت: «موضوع مربوط به جنگ در غزه، در دوره ترامپ دچار تغییراتی شده است، اما این تغییرات به‌معنای حمایت از فلسطینی‌ها نیست. آمریکا اعلام کرده که فلسطینی‌ها باید به مصر و اردن منتقل شوند، درحالی‌که واقعیت این است که فلسطینی‌ها حاضر نیستند سرزمین خود را ترک کنند. ضمن اینکه مصر یا اخوان‌المسلمین به‌شدت اختلاف دارد و از نظر جمعیتی، نزدیک به اسپانیا جمعیت دارد، بنابراین پذیرش فلسطینی‌های آواره را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند. از سوی دیگر، در حال حاضر، دو میلیون فلسطینی در اردن زندگی می‌کنند و ورود فلسطینی‌های جدید برای این کشور هم یک بحران محسوب می‌شود و بحث حیات و ممات است. بنابراین، بعید می‌دانم که اردن این پیشنهاد را بپذیرد. اما از طرف دیگر اینکه آمریکا حمایت خواهد کرد یا نه، باید گفت که دموکرات‌ها در دوره خود هر اقدامی که به نفع اسرائیل ممکن بود انجام دادند. به نظر من ترامپ حتی اگر بخواهد قرار نخواهد بود رکورد حمایت‌های دموکرات‌ها از اسرائیل را بشکند. واقعاً هیچ‌کدام از دولت‌های دموکرات ارزشی برای مردم فلسطین قائل